

از گذشته و آینده ی ایران

بیش‌تر از کشورهای دیگر از جمله کشورهایی است که در تولید علم در سطح جهان بالاترین رتبه‌ها را دارند. نیز، نسبت دانش‌آموختگان ایرانی که پس از کارشناسی، مدارک تحصیلی بالاتر (کارشناسی ارشد و دکتری) اخذ کرده‌اند، به‌مراتب بیش‌تر از همین نسبت در میان دانش‌آموختگان کشورهای اروپایی و امریکایی است. اما، از اکثر دانش‌آموختگان مقیم ایران، بهره‌ی کافی و نصیب مناسبی به جامعه نمی‌رسد، بلکه در بعضی موارد تحصیلات دانشگاهی عوارض و آسیب‌های اجتماعی ناخواسته‌ی هم برای جامعه ایجاد کرده است، در حالی که همین ایرانیان در کشورهای دیگر خوش می‌درخشند؛ اما در ایران دچار این ابتلائات‌اند:

- ۱- طولانی شدن صف بیکاران صاحب مدرک؛
 - ۲- بالا رفتن ناخواسته‌ی سن ازدواج؛
 - ۳- مهاجرت بی‌رویه‌ی نیروی جوان در سطح کشور (دانشجویان غیربومی) و در سطح جهان (فرار مغزها)؛
 - ۴- مبالغه در اهمیت مدارک تحصیلی و نمره‌های امتحانی تا حد بی‌اعتنایی به سلامت روحی و جسمی و اخلاقی و ابعاد شخصیتی نوجوانان و جوانان؛
 - ۵- بدتر از همه، خطر فروپاشی بسیاری از نهادهای ارزشمند اخلاقی جامعه، زیر و رو شدن ارزش‌ها، کاسته شدن از اعتماد، اطمینان، وفاداری و امانت‌داری مردم نسبت به یک‌دیگر.
- آری، در ایران سوادآموزی و تحصیل دانش رایج‌تر از گذشته و تعداد مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها بیش‌تر از پیش‌تر شده است، اما اگر ایران امروز را با گذشته بسنجیم، می‌بینیم که اولاً، شکاف علمی بین ایران و جهان بیش‌تر شده است و ثانیاً، رواج سواد و تحصیلات، در مقام مقایسه با گذشته - چیزی به شرافت اخلاقی، تقوای مدنی و فرهنگ ملی (مخصوصاً خصیصه‌هایی چون عزت نفس، مناعت طبع، سخاوت، نزاکت، گذشت، وفا به عهد، ایثار و...) نیفزوده است.
- ما مهرماه را ماه مهر و عطوفت و دانش و معرفت و جشن مهرگان را نشانه و نماد پیروزی حق و عدالت و صلح و سلامت بر بی‌داد و ستم می‌دانیم. آغاز سال تحصیلی را بویژه در هفتادمین سال تأسیس دانشگاه تهران به خوانندگان با فرهنگ خود تبریک می‌گوییم و برای شما و نسل فردا و هر هم‌وطن صلح دوست عدالت‌خواهی که از امروز تا فردای ابدیت زیر آسمان بلند ایران و بر خاک زرخیز وطن‌مان خواهد زیست، روزی خوش و روزگاری سبز آرزو می‌کنیم. ایدون باد - حسن امین

□ مهرماه، فصل بازگشایی مدرسه‌ها و دانشگاه‌هاست و جشن باستانی مهرگان، یادگار اسطوره‌ی پیروزی فریدون بر ضحاک. این هر دو به ما فرصتی می‌دهد که به نسل آینده و امیدهای فردای جامعه خود ببینیم و پیروزی دادگری و خرد را بر بی‌دادگری و بی‌خردی در سرتاسر جهان و ایران خودمان آرزو کنیم.

ما ایرانیان میراث‌دار گنجینه‌ی عظیم از تمدن، فرهنگ، ادب و هنر - با پشتوانه‌ی چندهزار ساله - ایم؛ اما نه افتخارات گذشته، محرومیت‌های امروز ما را جبران می‌کند و نه توانایی‌ها و اقتدار گذشته‌های دور تاریخی‌مان می‌تواند بر ناتوانی‌های امروزمان سرپوش بگذارد. گذشته‌ها، گذشته است، با مرده نمی‌توان زیست، هرچند مردگان این «امتیاز» را دارند که دست‌شان از دنیا کوتاه است و دیگر هیچ حرکتی نمی‌کنند و به همین دلیل هیچ اشتباهی هم از آن‌ها سر نمی‌زند!

ما ضمن ارج نهادن به مفاخر ملی و فرهنگی خودمان و التزام به پاس‌داشت و حفاظت فرهنگ افتخارآفرین ایران، باید خیلی بیش‌تر به فکر نسل آینده باشیم تا گذشته. یک مورچه که جان دارد و دانه‌ی به دندان می‌کشد، از هزار پیل مرده و شیر پیر در خاک خفته قوی‌تر است. رسیدگی به حال یک جوان بی‌پناه امروز، بر کالبدشکافی تاریخی هزار امپراتور مومیایی شرف دارد.

با آغاز سال تحصیلی، انبوه عظیمی از دختران و پسران راهی مدرسه و دانشگاه می‌شوند. اما فراموش نکنیم از کودکان خیابانی و جوانان بی‌سرپناهی که مهرماه برای ایشان مثل هر ماه دیگر بی‌تفاوت می‌گذرد؛ و از دختران فراری که شکار دام تباهکاران می‌شوند. آیا جامعه (که من و شما هم اعضای کم‌تأثیر آن‌ایم و دولت که مسؤوّل مستقیم و مؤثر است) برای حل مشکلات نوجوانان و جوانان بی‌پناه (که آن‌ها هم عضو همین جامعه‌اند)، چه راهکاری پیش گرفته است؟ کثرت جرم و فحشا و قاچاق از کجا ناشی می‌شود؟ علل و عوامل واقعی این مصیبت‌ها چیست؟

مدرسه و دانشگاه، تنها کارگاه سوادآموزی و یادگیری مهارت‌ها و انباشت اطلاعات نیستند، کارخانه‌ی آینده‌سازی‌اند. شاید بی‌جا نباشد که در آستانه‌ی هفتادمین سال تأسیس دانشگاه تهران، امروز از خودمان بپرسیم که اولاً چرا ایران در ۱۳۸۳ از جهت تولید علم از فقیرترین کشورهای جهان است؟ ثانیاً چرا جامعه‌ی ما از جهت پرورش نسل جدید اندیشمند و پژوهشگر از نظر کیفی رو به افول دارد؟ رغبت و اصرار جوانان ایرانی به رفتن به دانشگاه به‌مراتب